

عملکرد ارتشبد عباس قره‌باغی در فرماندهی ژاندارمری کل کشور (۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۳ - ۱۴ شهریور ۱۳۵۷ ش)

معصومه خازنی^۱/ باقرعلی عادلفر^۲

چکیده

عباس قره‌باغی از شخصیت‌های مهم نظامی عصر پهلوی دوم محسوب می‌شد که در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی توانست ضمن کسب مدارج عالی نظامی، به مناصب تأثیرگذاری منصوب شود. وی فرمانده گروهان مسلسل ضدهوایی در شهریور ۱۳۲۰ ش، مسئول تشکیل گارد سلطنتی در همان سال، معاون دانشگاه جنگ در ۱۳۴۱ ش، فرمانده لشکر گارد شاهنشاهی و رئیس ستاد نیرو زمینی در ۱۳۴۷ ش و سپس به جانشینی فرماندهی نیروی زمینی در ۱۳۵۱ ش منصوب شد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که نحوه مواجهه ارتشبد قره‌باغی در دوران فرماندهی ژاندارمری با حوادث اجتماعی و سیاسی دوران منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وی برای کنترل و سرکوب انقلابیون و همچنین تسلط بر فضای امنیتی کشور از سوی محمدرضا پهلوی به فرماندهی ژاندارمری کل کشور رسید. قره‌باغی در طی چهار سال و چهار ماه مسئولیت خود در پی سرکوب مخالفان رژیم پهلوی برآمد، لیکن نتیجه سیاست‌های خشن انتظامی وی همچون برقراری حکومت نظامی در شهرهای مختلف کشور منجر به وقوع حوادث مهم همچون تحولات ماه رمضان ۱۳۵۷ ش و درنهایت اوج‌گیری جریان انقلاب اسلامی شد. در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد به عملکرد قره‌باغی در دوران فرماندهی ژاندارمری کل کشور پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: عباس قره‌باغی، ژاندارمری، پهلوی دوم، انقلاب اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی (ره)، قزوین، ایران.
 khazeni213@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)
 b.adelfar@ikiu.ac.ir

The performance of General Abbas Qarabaghi as the commander of gendarmerie force (May 3, 1974 - September 5, 1978)

Masoume Khazeni¹/Baqer Ali Adelfar²

Abstract

Abbas Qarabaghi was considered one of the most important military figures of the second Pahlavi era, who in the years leading to the victory of the Islamic Revolution was able to be appointed to influential positions while obtaining high military ranks. He was the commander of the anti-aircraft machine gun company in September 1941, responsible for the formation of the royal guard in the same year, the deputy of the War University in 1962, the commander of the Imperial Guard and the chief of staff of the army in 1968, and then appointed as the successor of the command of the army in 1972. The current research seeks to answer the question, how did the Qarabaghi General face the social and political events of the period leading to the victory of the Islamic Revolution during the Gendarmerie command? The findings -of the research show that he became the commander of the Gendarmerie of the country by Mohammad Reza Pahlavi to control and suppress the revolutionaries and also to dominate the country's security environment. During the four years and four months of his responsibility, Qarabaghi emerged after suppressing the opponents of the Pahlavi regime, but the result of his harsh intelligence policies, such as the establishment of military rule in various cities of the country, led to the occurrence of important events such as the events of the month of Ramadan 1978 and finally the climax of the Islamic Revolution. In this research, with a descriptive-analytical approach and relying on library sources and documents, the performance of Qarabaghi during the command of the Gendarmerie of the whole country will be discussed.

Keywords: Abbas Qarabaghi, Gendarmerie, Second Pahlavi, Islamic Revolution.

¹. PhD student of Iranian Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. khazeni213@yahoo.com

². Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (Corresponding author) b.adelfar@ikiu.ac.ir

مقدمه

نیروهای مسلح در ساختار قدرت سلسله پهلوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و ارتباط و پیوندی ناگسستنی با نهاد سلطنت داشت. در اساس سیمای غیرمذهبی سلطنت، حاصل قدرت نهاد ساختاری آن بود که به گونه‌ای ناگسستنی با تشکیلات نظامی ارتباط می‌یافت و پادشاهی پهلوی و ارتش هردو دلبستگی ژرفی به تداوم یکدیگر داشتند (عظیمی، ۱۳۷۴: ۳۰). فروپاشی سریع ارتش ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش نتیجه بی‌ثباتی رژیم استبدادی و پوشالی بودن سازمانی بود که طی بیست سال بخش عمده‌ای از درآمدهای مملکت صرف توسعه و تقویت آن شده بود. این ارتش فاقد ساختار مردمی بود و مأموریت اصلی آن حفظ تاج و تخت سلطنت بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش محمدرضا شاه اقداماتی برای تقویت روحیه وفاداری نیروهای ارتش و نظامی به رژیم پهلوی انجام داد و توانست به تدریج ارتش را به بزرگ‌ترین نهاد نظام سیاسی پهلوی تبدیل کند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۱۹).

در سال ۱۳۳۲ ش که ارتش موجبات بازگشت شاه از خارج را فراهم آورد، نیروهای مسلح ایران بار دیگر به صورت عامل اصلی تثبیت قدرت و حکومت شاه درآمدند و تقویت ارتش در مرکز توجه شاه قرار گرفت (سولیوان، ۱۳۶۱: ۵۲). کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حاصل همکاری ارتش و دربار بود و سپهد زاهدی در رأس ارتش، قدرت را در دست گرفت. در دهه پس از کودتا ۲۸ مرداد، شاه توانست قدرت سیاسی را از دست نظامیان گرفته ارتش را در حد یکی از ابزارهای عمده قدرت دربار پهلوی نگه دارد. از این رو نیروهای مسلح ایران در عصر پهلوی دوم، یکی از منابع اصلی قدرت شاه به حساب می‌آمدند (دانشجویان پیرو خط امام، از ظهور تا سقوط، ۱۳۶۶: ۸۰/۱). علاوه بر ساواک، واحدهای پلیس شهربانی، ژاندارمری، گارد شاهنشاهی و واحدهای اطلاعاتی و رکن ۲ ارتش و بازرسی شاهنشاهی وظیفه ایجاد و حفظ امنیت در قلمرو حکومت شاهنشاهی ایران را برعهده داشتند (دلانوا، ۱۳۷۱: ۳۸).

پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت نهاد ژاندارمری در دوران قره‌باغی پژوهش‌چندانی در این حوزه به صورت اختصاصی صورت نگرفته است. کتاب *اعترافات ژنرال* که به قلم عباس قره‌باغی نگاشته شده است، شامل همه حوادث زندگی وی از آغاز تا پایان حکومت پهلوی است. قره‌باغی در این

کتاب به مسائل مربوط به ارتش و نقش ژنرال‌های خارجی در حوادث آن روز می‌پردازد. قره‌باغی همچنین در کتاب دیگر *ماجرای فرار ارتشبد قره‌باغی* که چند هفته قبل از مرگش در بیمارستان، طی نوشته‌هایی که برای بخش خاطرات و تاریخ یکی از روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ لندن فرستاد، ماجرای اختفای چهارده‌ماهه خود در تهران و چگونگی فرارش از کشور را برای اولین بار بازگو کرده است. هر دو اثر اطلاعات ارزنده‌ای درباره ابعاد شخصیتی، نظامی و سیاسی وی و حوادث دوران انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. با این وجود قره‌باغی در این آثار سعی کرده است بیشتر برای سلب مسئولیت و تبرئه خود در برابر انتقادهای حامیان حکومت نکاتی را مطرح کند. نصیری طیبی نیز در کتاب *آخرین ارتشبد ایران* به بررسی نقش وی در مسئولیت‌های مختلف نظامی و سیاسی در دوران پهلوی دوم پرداخته است، لیکن به جهت گستردگی موضوع کمتر توانسته است به حضور قره‌باغی در ژاندارمری به صورت متمرکز بپردازد. بر این اساس خلأ پژوهش در این زمینه احساس می‌شود که اثر حاضر ضمن بررسی رویکرد محمدرضا پهلوی نسبت به ژاندارمری و زندگی قره‌باغی پیش از مسئولیت فرماندهی کل ژاندارمری، اقدامات وی را در دوران مسئولیت شانزده ماهه مورد واکاوی قرار می‌دهد.

زیست‌نامه عباس قره‌باغی

عباس قره‌باغی در دهم آبان ۱۲۹۷ ش در شهر تبریز متولد شد. وی به دلیل علاقه به امور نظامی، بعد از پایان دوره متوسطه وارد تشکیلات نظامی شد (قره‌باغی، ۱۳۶۴: ۳-۲). ورود وی به دانشکده افسری در ۱۳۱۵ ش با دوره آموزشی محمدرضا پهلوی هم‌زمان شد و جزء نزدیکان وی قرار گرفت. در زمان تحصیل محمدرضا پهلوی در سوئیس، قره‌باغی با کسب اعتماد رضاشاه با ولیعهد همراه گردید (سولیوان، ۱۳۶۱: ۵۴). وی در پایان دوره خود در دانشکده نظامی به دریافت نشان افتخار نائل شد (فردوست، ۱۳۶۹: ۶۰۹/۱). وی در شهریور ۱۳۲۰ که کشور به وسیله متفقین اشغال شد، قره‌باغی به فرماندهی گروهان مسلسل ضدهوایی، دفاع از کارخانه اسلحه‌سازی را برعهده گرفت (قره‌باغی، ۱۳۶۴: ۴). او در ۱۳۲۱ ش مأمور تشکیل سازمان گارد سلطنتی شد و در ۱۳۳۴ ش برای گذراندن دوره عالی نظامی در دانشگاه جنگ، عازم کشور فرانسه گردید (نصیری طیبی، ۱۳۸۶: ۱۸). از دیگر مسئولیت‌های وی پیش از فرماندهی ژاندارمری کل کشور می‌توان به فرماندهی لشکر گارد شاهنشاهی، فرمانده لشکر پیاده گرگان

در ۱۳۴۲ ش، ریاست ستاد نیروی زمینی در مهر ۱۳۴۷ ش، جانشینی فرمانده نیروی زمینی در اردیبهشت ۱۳۵۱ ش اشاره کرد (فردوست، ۱۳۶۹: ۳۸۴/۱؛ پژمان، ۱۳۸۶: ۳۱۷؛ قره‌باغی، ۱۳۶۴: ۵؛ معمای ارتشبد قره‌باغی...، ۱۳۵۸: ۱۳). وی در اسفند ۱۳۴۷ ش به درجه سپهبدی و در شهریور ۱۳۵۳ به درجه ارتشبدی نائل شد (نصیری، ۱۳۸۶: ۲۰؛ ساکما، ش.بازیابی: ۲۹۳۰۰۳۶۳۹).

محمدرضا پهلوی و ژاندارمری

ژاندارمری ایران با پنجاه هزار نیرو، مسئول حفظ نظم و آرامش در نقاط غیرشهری وسیع ایران بود. حراست از مرزها و مناطق عشایرنشین که مهم‌ترین نقاط پرآشوب ایران بودند از مسئولیت‌های اصلی این تشکیلات بود (شایسته‌پور، ۱۳۸۵: ۶۵؛ زهیری، ۱۳۷۹: ۵۴). محمدرضا شاه در دکترین امنیت ملی خود پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش مانند رضاخان توجه مستقیمی به شهربانی و ژاندارمری داشت و برای ژاندارمری اهمیت بیشتری نسبت به شهربانی قائل بود؛ زیرا آن را بازویی برای ارتش می‌دانست و به همین سبب تجهیزات بیشتری نصیب آن می‌گردید (فردوست، ۱۳۶۹: ۴۸۳). نقش ژاندارمری به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی و ورود نیروهای مسلح به‌طور روزافزونی در کنترل این مناطق افزایش یافت، فرمانده کل ژاندارمری ارتشبد عباس قره‌باغی بود که در ماه‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به ریاست کل ستاد ارتش رسید.

در تاریخ ایران ارتش هیچ‌گاه نتوانست نقش چارچوب فراگیر ملی را ایفا کند و هیچ‌گاه نقش آزادی‌بخش نداشت بلکه به ترتیب رنگ روسی و انگلیسی و سپس آمریکا گرفته بود (فوکو، ۱۳۷۷: ۱۲). بعد از ساقط شدن دولت مصدق، تیمور بختیار که نقش زیادی در کودتا داشت، فرماندار نظامی تهران شد؛ ولی با وجود همکاری شهربانی با فرمانداری نظامی تهران برای ایجاد امنیت و حفظ پایه‌های رژیم، هنوز رابطه‌ی اساسی و سازمان‌یافته بین نیروهای ارگان ضد مردمی و سرکوبگر به وجود نیامده بود که این مورد در ۲۳ اسفند ۱۳۳۵ ش با تصویب قانون تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) تحقق یافت (افراسیابی، ۱۳۶۴: ۴۵). ساواک پس از ماجرای مصدق به‌منظور مبارزه با عملیات براندازی کمونیست‌ها در ایران تشکیل شد (پهلوی، ۱۳۷۵: ۳۷۰) و از سال ۱۳۳۶ ش رسماً کار خود را شروع کرد. علت اصلی تشکیل آن را می‌توان حفظ ثبات و امنیت رژیم پهلوی، یاری این رژیم در ایجاد یک قدرت خودکامه، کشف و شناسایی توطئه‌های احتمالی علیه رژیم پهلوی و حفظ پایه‌های رژیم با سرکوب هر نوع مخالفت

بر ضد حاکمیت شاه دانست (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۴۲). ایران به منزله یکی از پایگاه‌های اصلی آمریکا در خاورمیانه، از نظر آمریکایی‌ها نیاز به یک شبکه اطلاعاتی و امنیتی قوی داشت. دخالت و نقش آمریکا در تأمین و گسترش دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران به این کشور امکان داد تا تسلط کاملی بر ایران بیابد (فردوست، ۱۳۶۹: ۳۸۲).

سولیوان می‌نویسد: «نیروهای مسلح ایران یک رئیس ستاد مشترک داشتند که با رؤسای ستاد نیروهای مختلف جلسات مرتبی داشت، ولی ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران و رئیس آن فاقد قدرت و اختیارات مشابه نظامی در کشورهای دیگر بود و بیشتر به صورت یک دفتر طرح و هماهنگی عمل می‌کردند. رئیس ستاد مشترک ژنرال ازهارای بود. وی پس از طی درجات و مقامات مختلف در نیروی زمینی به ریاست ستاد مشترک رسیده بود، افسران ارشد و فرماندهان نیروهای ایرانی در مشاغلی که به عهده داشتند مردان قابل‌بودند و وفاداری آنها به شاه با نوعی تعصب همراه بود و دو افسری که از بحث درباره مسائل سیاسی پرهیز نداشتند، دریادار حبیب‌اللهی فرمانده نیروی دریایی و ژنرال قره‌باغی فرمانده ژاندارمری بودند» (سولیوان و پارسونز، ۱۳۷۵: ۷۵-۷۴).

نارضایتی، اعتراض، خشونت و خونریزی در شهرها بر فاصله میان شاه و مخالفان می‌افزود. در همان حال، شاه آگاه از آنکه چندان زنده نخواهد بود و باید از قدرت متمرکز خود بکاهد برای حفظ سلطنت در خاندان خود، مقامات مملکتی و نظامیان را برای پذیرش این تغییر آماده می‌کرد. ارتشبد قره‌باغی فرمانده ژاندارمری وقت یکی از آنها بود. قره‌باغی می‌نویسد: «اعلیحضرت به من فرمودند که یک مطالبی هست که ما به فرماندهان دیگر هم گفته‌ایم به شما هم می‌گوییم که باید بدانید نمی‌شود که با پیشرفتی که در دنیا حاصل می‌شود مملکت را با همان سیاست اداره کرد و به خصوص که من بعد از پدرم از نظر سیاسی دچار مشکلات زیادی شدم و ما نمی‌خواهیم که بعد از ما ولیعهد دچار همان مشکلات بشود. این است که ما تصمیم گرفته‌ایم که به مردم اجازه بدهیم که بیشتر در امور سیاسی و کارهای سیاسی دخالت نکنند. البته دادن آزادی ممکن است یک نتایجی داشته باشد اتفاقاتی بیفتد، شما باید بدانید که این اتفاقات لازمه این آزادی می‌شود و از این ناراحت نباشید و بعد هم شما می‌توانید که این دستورها را به رده‌بالای ژاندارمری ابلاغ کنید و هیچ نگران نباشید» (باقی، ۱۳۷۳: ۲۷۵).

نراقی در این باره نقل می‌کند که: «برکنار داشتن ارتش از سیاست، جزئی از سیاست مشخص شاه بود. وی ادامه می‌دهد که هدف شاه جلوگیری از امکان هرگونه کودتای نظامی علیه سلطنت و حفظ ثبات سیاسی بود» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۸۴-۱۸۲). در این زمینه ارتشبد عباس قره-باغی می‌افزاید: «برکناری نظامیان از سیاست به معنی بی‌اطلاعی مطلق آنها نبود، به خصوص که جو کلی کشور هم غیرسیاسی بود. در ارتش ما و ارتش‌های دنیا هم که همه همین‌طور هستند. پرسنل نیروی مسلح حق مداخله در امور سیاسی را ندارند و بعضی‌ها این حق دخالت در امور سیاسی نداشتن را توجیه به این می‌کنند که یعنی اینها حق ندارند که بفهمند یا اینکه مسائل سیاسی را درک بکنند، ولی مسئله این نبود. مسائل سیاسی را درک می‌کردند؛ ولی وقتی که شما دخالتی در سیاست نکنید البته به اندازه آن کسی که در کاری دخالت می‌کند نمی‌توانید تبحری در آن داشته باشید. البته در آن زمان در کشور ما آگاهی سیاسی در ارتش به میزان آگاهی سیاسی کارمندان و وزارتخانه‌ها بود. همین‌طور که سایر وزارتخانه‌ها دخالت زیادی در امور سیاست نداشتند در ارتش هم به همان میزان بود» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۸۷).

اقدامات قره‌باغی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ ش

به‌منظور پاک‌سازی در سازمان ژاندارمری کشور، قره‌باغی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۳ ش به سمت فرماندهی آن منصوب گردید. در این زمان وی برای شرکت در هیئت‌دوران مانور (تمرین تأمین تهران) در قسمت دانشگاه نظامی انتخاب شد (مراسان: ۵۱۵۹۰۰۰۰۴). او در تأمین بازی-های آسیایی تهران دستور داد روز ۱۳۵۳/۴/۲۳ ش مأمورین شهربانی و تیپ نوهده حفاظت داخلی مجموعه ورزشی آریامهر و دهکده را به عهده گرفته و مأمورین ژاندارمری هم، حفاظت خارجی و همچنین مسیر بین این دو محل را برعهده گیرند. همچنین به‌منظور حفاظت از نقاط حساس و خطوط ارتباطی شبکه‌های برق و دستگاه‌های رادیو و تلویزیونی نواحی ژاندارمری گیلان، خوزستان، لرستان و مرکز، تعداد ۲۹۵۰ نفر آموزش‌دیده نیروهای پایداری را در تاریخ ۱۳۵۳/۵/۱۰ ش استخدام نمود تا در محل‌های موردبحث استقرار یابند و تا پایان بازی‌های آسیایی تهران زیر امر پرسنل نواحی مذکور انجام‌وظیفه کنند (مراسان: ۵۱۵۹۰۰۰۰۸۷). بعد از پایان بازی‌های آسیایی، شاه به پاس فعالیت‌های قره‌باغی در جریان برگزاری بازی‌ها یک فقره چک به شماره ۳۴۹۴۷۰ به مبلغ ۲۵۰ هزار ریال به او اعطا کرد (مراسان: کد ۵۱۶۰).

قره‌باغی در دورانی که فرماندهی ژاندارمری (۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۳ ش تا ۱۴ شهریور ۱۳۵۷ ش) را برعهده داشت، تلاش زیادی برای استخدام و آموزش افراد برای تشکیل نیروی پایداری مقاومت انجام داد، بدین ترتیب عده زیادی از جمله امیرعباس هویدا (نخست‌وزیر)، وزرا و... به عضویت افتخاری این نیرو درآمدند (مراسان: کد ۵۱۵۹). وی در ۱۳۵۴/۶/۱۷ ش درباره فعالیت نیروی پایداری چنین گزارش داد: «در اجرای فرمان مطاع مبارک ملوکانه به منظور استفاده از نیروی پایداری در مأموریت مراقبت و پوشش محورهای شمال که از طریق ستاد بزرگ‌ارتشتاران در تاریخ ۱۳۵۴/۶/۲ ش به ژاندارمری ابلاغ گردیده، بررسی‌های لازم به عمل آمد، در صورت استقرار اراده سنیه ملوکانه برای تأمین حداکثر داوطلبین اقدامات مشروحه زیر انجام و سپس طرح پوشش محورهای شمال به وسیله افراد نیروی پایداری با همکاری افراد مهندسی و یگان ضربت ناحیه مازندران تهیه و به شرف عرض پیشگاه مبارک شاهانه معروض گردد:

۱. تشکیل یک مرکز آموزش مخصوص افراد نیروی پایداری (ترجیحاً در شیرگاه)؛
 ۲. ترغیب و تشویق اهالی قراء اطراف محورها به قبول عضویت در نیروهای پایداری و برآورد لازم بر مبنای تعداد داوطلبین و امکانات موجود؛
 ۳. آموزش طرز تخریب و استفاده از وسایل مخابراتی و جنگ‌افزار ضدتانک و اجرای عملیات ممانعتی و ایذائی به افراد داوطلب نیروی پایداری معروض؛
 ۴. احضار افراد نیروهای پایداری محورهای شمال، سالیانه سه بار و هر مرتبه چهار روز برای تجدید آموزش و اجرای تمرینات لازم روی محورهای موردنظر؛
 ۵. نگهداری اتاق‌های خروج محورهای شمال در زمان صلح به وسیله افراد منتخب نیروی پایداری و درجه‌داران بازنشسته و افراد مهندس شمال (مراسان: کد ۵۱۵۷).
- در جواب درخواست فرمانده ژاندارمری از آمریکا برای تسلیحات نظامی گفتند: «به علت سنگینی برنامه فقط می‌توانیم تا ژوئن ۱۹۷۲ م/۱۳۵۱ ش تعداد ۶۶ تانک به ایران تحویل بدهیم. درباره گلوله‌های توپ ۱۰۵ برای تانک مذاکره شد، گفتند متأسفانه هنوز صنایع نظامی ایران سفارش خرید این گلوله‌ها را باز نکرده است و اگر سفارش بدهند تا سال ۱۹۷۴ م/۱۳۵۳ ش زودتر نمی‌توانند تحویل دهند» (مراسان: ۵۱۵۹۰۰۰۴۸).

قره‌باغی به فرمان شاه از سال تحصیلی ۱۳۵۴ ش دوره‌های مقدماتی و عالی رسته پیاده ژاندارمری و فرماندهی و ستاد تشکیل داد. در فرمان شاه که در ۲۷ شهریور ۱۳۵۴ ش در این ارتباط صادر شد چنین آمده بود: «افسران دانشجو باید علاوه بر فراگیری برنامه‌های آموزش نظامی و درس ستادی، آموزش‌های تخصصی ژاندارمری را که ناشی از مأموریت‌های محوله به آن سازمان می‌باشد، به نحو احسن فرا بگیرند تا بتوانند پس از طی دوره در هدایت و رهبری یگان مربوطه به نحو شایسته‌تری وظایف و مأموریت‌های خود را انجام دهند و با عزم راسخ و اراده آهنین و با فداکاری و جانبازی برای حفظ حدود و ثغور کشور کهن آیین شاهنشاهی آماده گردند» (مراسان: کد ۵۱۵۸).

قره‌باغی در ۲۳ اسفند ۱۳۵۶ ش در مقام فرماندهی ژاندارمری در باشگاه افسران ژاندارمری درباره رهنمودها و تحلیل مفاد کتاب «به سوی تمدن بزرگ» در حضور جمعی از امراء و افسران ژاندارمری سخنرانی کرد. او گفت: «هر فرد ایرانی برای ایفای رسالتی که در برابر کشور خود و در عین حال در برابر جامعه بشری به عهده دارد، باید آشنایی همه‌جانبه‌ای با اصول و ضوابطی که جامعه امروز و فردای ایران و جهان برپایه آنها پی‌ریزی شده است داشته باشد» (نصیری طیبی، ۱۳۸۶: ۲۴).

نقش قره‌باغی در تحولات انقلاب در فاصله زمانی ۱۳۵۶-۱۳۵۷ ش

با شدت گرفتن مبارزات مردم در سال ۱۳۵۶ ش قره‌باغی برای سرکوب و کنترل اغتشاشات به اقداماتی دست زد، یکی از این اقدامات تهیه و طرح تأمین شهرهایی بود که در آن اعتراضات علیه رژیم وجود داشت، وی در جواب درخواست‌های اعضای نپ^۱ در مورد مقابله با اخلاک‌گران و کوبیدن مشت بر دهان مزدوران خارجی به‌عنوان فرمانده ژاندارمری دستور داد، هرچه سریع‌تر اقدامات زیر را به اجرا درآورند:

۱. در هر استان، شهرستان و بخش‌ها کلیه اعضای نیروی پایداری در مناسب‌ترین سالن محل اجتماع و به‌وسیله چند نفر از اعضای نیروی پایداری ضمن تشریح درخواست‌های خود از اینکه اجازه مقابله با یاهو‌گویان داده شد، سپاسگزاری شود. فرماندهان نیروی پایداری محل هم از احساسات شاه‌دوستی و میهن‌پرستی اعضای نیروی پایداری قدردانی نمایند.

۱. نیروی پایداری

۲. در رده ناحیه، هنگ و گروهان به تعدادی از داوطلبین اعضای تیم‌ها اجازه داده شود که دوش‌به‌دوش برادران سرباز خود در تعقیب و مبارزه با اخلاالگران آزادانه شرکت نمایند» (مراسان: کد ۵۱۴۸).

قره‌باغی در شرفیابی مورخ ۱۳۵۷/۱/۱۶ ش فعالیت‌های یگان‌های ژاندارمری کشور شاهنشاهی در دستگیری اخلاالگران را به شاه گزارش داد و شاه به او دستور داد که: «نیروی پایداری دفاع از کارخانه‌ها را تمرین دهد، اعضای نیروی پایداری هم در تعقیب و دستگیری خرابکاران شرکت نمایند، اعضای نیروی پایداری در اجتماعاتی که به‌عنوان مخالفت با دولت تشکیل می‌دهند شرکت و برعلیه مخالفین عمل کنند، اعضای نیروی پایداری تظاهراتی برعلیه مخالفین دولت بنمایند». از این رو در ۱۳۵۷ ش طی گزارشی به شاه در پاسخ به دستور فوق چنین نوشت: «اوامر مطاع مبارک همایونی به نواحی ژاندارمری ابلاغ و گزارشات واصله حاکی است: الف: اعضای داوطلب نیروی پایداری در سطح کشور شاهنشاهی گروه گروه با شور و اشتیاق ضمن دادن شعارهای میهنی برای نام‌نویسی به‌منظور همکاری با مأمورین انتظامی در تعقیب و دستگیری خرابکاران مراجعه می‌کنند که آمار کلی داوطلبان متعاقباً از شرف عرض خواهد گذشت. به اعضای نیروی پایداری در صفوف متشکل به‌طور گسترده در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها با تشکیل اجتماعات عظیم و سخنرانی ضمن اظهار تنفر از اقدامات خرابکاران، آمادگی خود را برای جانبازی در راه اعتلای نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و اصول انقلاب شاه و ملت و پشتیبانی از برنامه‌های مترقیانه دولت و حزب رستاخیز ملت ایران- که هنوز هم ادامه دارد- اعلام داشته‌اند. به دنبال دستورات فوق فرماندهان نواحی مختلف کشور برای عملی‌شدن آن دست‌به‌کار شدند» (مراسان: کد ۵۱۴۴).

برای دستگیری مخالفان توسط نیروی پایداری در ۱۳۵۷/۲/۲ ش ارتشبد قره‌باغی خطاب به فرماندهان نواحی ژاندارمری کشور دستورالعملی صادر کرد. در این دستورالعمل که هدف دستگیری اخلاالگران و یا خرابکاران توسط اعضای نیروی پایداری اعلام شده بود در ارتباط با عملیات آنان دستوراتی داده شد از جمله اینکه در انتخاب پرسنل تیم داوطلب شرکت در عملیات مقابله با مخالفان، پرسنل بازنشسته نیروهای مسلح به‌ویژه درجه‌داران و افسران ارجحیت داده شود. همچنین اشاره شده بود هر عضو نیروی پایداری موظف است هر زمان که به فرد یا دسته‌ای از

انقلابیون برخورد نماید باید درصدد مقابله و خنثی کردن عملیات آنها برآید (نصیری طیبی، ۱۳۸۶: ۲۹).

اقدامات قره‌باغی برای مقابله با انقلابیون

یکی از طرح‌های مقابله با انقلابیون، اعزام یگان‌های ژاندارمری بود که برای حمایت از شهربانی صورت می‌گرفت، قره‌باغی با تصویب شاه از تاریخ ۱۳۵۷/۱/۲۵ تا ۱۳۵۷/۲/۲۳ ش نواحی ژاندارمری کشور شاهنشاهی را بنا به درخواست شهربانی به‌منظور مقابله با عناصر اخلاکگر با مأمور نمودن پنج گروهان و ۲۴ دسته‌ی ضربت و هفت دستگاه نفربر زرهی به شهربانی‌های شهرهای مختلف از جمله اصفهان، یزد، بافق، اردکان، تبریز، کاشان، قم، کرج و غیره اعزام کرد (مراسان: کد ۵۱۴۵).

قره‌باغی در ۱۳۵۷/۲/۲۷ ش طی دستورالعملی به فرماندهی نواحی پانزده‌گانه و هنگ مستقل بوشهر، نحوه برخورد با دستگیرشدگان به اتهام جرائم ضد امنیتی و خرابکاری را ابلاغ کرد. در این دستورالعمل تخریب و ایجاد آتش‌سوزی اماکن، مؤسسات دولتی و منازل مقامات، فعالیت‌های کمونیستی، اقدامات تروریستی، شعارهای ضد مقام سلطنت، ایجاد تزلزل در روحیه پرسنل نیروهای مسلح، فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه، فعالیت‌های روحانیون مخالف رژیم، از جمله موارد فعالیت‌های ضد امنیتی و خرابکاری محسوب می‌شدند. همچنین قره‌باغی بنا به درخواست ژاندارمری استان فارس تقاضا نموده از تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۸ ش تا خاتمه تعطیل کلاس‌های دانشگاه پهلوی، هم‌روزه دو دسته از پرسنل ژاندارمری در هنگ شیراز آماده تا بنا به درخواست در اختیار شهربانی شیراز قرار گیرند و تصویب کرد که دو دسته از گروهان تأمین و پاسداری هنگ شیراز با تجهیزات کامل به صورت آماده نگهداری و به‌محض درخواست در اختیار شهربانی قرار خواهند گرفت. وی به‌منظور پیشگیری از اغتشاش احتمالی در شهر نهاوند، دسته سازمانی ضربت همدان را به این شهر اعزام کرد و نیز دو دسته از پرسنل ژاندارمری هنگ شیراز برای کنترل دانشجویان دانشگاه شیراز در اختیار شهربانی شیراز قرار داد (مراسان: کد ۵۱۱۸).

با فرا رسیدن ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ ش رژیم شاه از این مسئله وحشت داشت که انقلابیون به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش اقدام به تظاهرات کنند و در نتیجه اقداماتی برای ممانعت از این کار به عمل آورد. از این رو از طرف ارتشبد قره‌باغی فرمانده ژاندارمری کشور به‌منظور مقابله

با هرگونه رویداد در حوزه استحفاظی ژاندارمری و پشتیبانی شهربانی در ۱۳۵۷/۳/۷ ش آماده-
باش‌های زیر به فرماندهی نواحی ژاندارمری اعلام گردید:

الف- آماده‌باش مرحله‌ی ۱ (مراقبت):

از تاریخ ۱۳۵۷/۳/۷ ش تا ساعت ۲۴ روز ۱۳۵۷/۳/۹ ش کلیه پاسگاه‌های مرزی داخلی ژ.ک.ش^۱
و قرارگاه گروهان‌ها و هنگ‌ها و نواحی، یگان‌های ضربت (از گروه ضربت تا گردان ضربت
داخل)، یگان‌های تأمین پاسداری، یگان‌های جایگزین، آموزشگاه‌های گروهبانی نواحی و مرزن-
آباد، شناورهای زیر امر پاسگاه پلیس راه، قرارگاه‌های نپ استان و شهرستان، افراد مبارزه
اخلالگران، و یگان‌ها و عوامل پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی که جهت ادامه‌ی عملیات یگان-
های عملیاتی وجودشان ضرورت دارد. (مانند مخبرات، ترابری، سررشته‌داری و غیره).

ب- آماده‌باش مرحله ۲ (مهیا شدن)؛ از ساعت ۴ صفر (۴ صبح)، روز ۱۳۵۷/۳/۱۰ ش تا ساعت
۲۴:۰۰ روز ۱۳۵۷/۳/۱۳ ش و مجدداً از ساعت چهار صفر روز ۱۳۵۷/۳/۱۷ ش تا ساعت ۲۴:۰۰ روز
۱۳۵۷/۳/۲۱ ش کلیه سازمان‌های مندرج در الف بالا.

پ- آماده‌باش مرحله ۳ (عملیاتی و رزم)؛ از ساعت ۴ صفر روز ۱۳۵۷/۳/۱۴ ش تا ساعت ۲۴:۰۰
روز ۱۳۵۷/۳/۱۶ کلیه سازمان‌های مندرج در الف بالا. (مراسان: ۵۱۵۸۰۰۱۶۲).

علاوه بر این، ارتشبد قره‌باغی با ارسال یک بخشنامه سری تحت عنوان «دستورالعمل ۱۵ خرداد
۱۳۵۷ ش» به تمامی نیروهای تحت امر فرماندهی ژاندارمری کشور دستور داد تا آن را به اجرا
درآورند. در این دستورالعمل به ژاندارمری مأموریت داده شد که در حوزه استحفاظی خود پیش-
بینی‌های لازم را انجام و در روز ۱۵ خرداد از هرگونه تظاهرات جلوگیری نمایند و در صورت
مشاهده، آن را در نطفه خفه کنند و پشتیبانی‌های لازم از شهربانی به عمل آید (نصیری طیبی،
۱۳۸۶: ۳۳). در ۱۳۵۷/۳/۱۰ قره‌باغی به نواحی ژاندارمری چنین دستور داد: «لازم است فرماندهان
نواحی و نپ استان و شهرستان‌ها توجه داشته باشند که افراد مبارزه با اخلالگران نیز باید به
فعالیت خود افزوده و با تلاش شبانه‌روزی مراقب باشند که تا روز ۱۵ خرداد و در روز نامبرده
اتفاقی رخ ندهد» (مراسان: کد ۵۱۱۹).

با وجود اینکه یک روز از سالگرد قیام ۱۵ خرداد می‌گذشت قره‌باغی آماده‌باش یگان‌های
ژاندارمری را لغو نکرد بلکه به حالت آماده‌باش مرحله یک تقلیل داد و دستورالعمل مربوط به

مجربان دستور عملیاتی مرزبان را بدون دگرگونی اعلام کرد. پس از ارسال نیازمندی‌های کنترل اغتشاشات، کمیسیونی جهت بررسی این نیازمندی‌ها و با حضور نماینده ژاندارمری کشور در ستاد بزرگ‌ارتشتاران تشکیل شد. از تاریخ ۱۳۵۷/۳/۲۴ ش نواحی ژاندارمری کشور بنا به درخواست شهربانی‌ها با اخلاالگران در روزهای ۲۷ و ۲۸ و ۱۳۵۷/۳/۲۹ ش یگان‌های ضربت و نفربرهای زرهی در هجده محل در کنترل عملیاتی شهربانی‌ها قرار گرفتند (مراسان: ۵۱۵۸۰۰۲۰۷).

علاوه بر این، به‌منظور کنترل بیشتر در ایام ماه مبارک رمضان از تاریخ ۱۳۵۷/۴/۲۶ ش الی ۱۳۵۷/۵/۸ ش بنا به دستور ارتشبد قره‌باغی نواحی ژاندارمری کشور و مرکز آموزش جهرم به‌منظور مقابله با اخلاالگران با برداشت از یگان‌های آموزشی با شش دستگاه نفربرهای زرهی در ده محل طبق تقاضای شهربانی‌های شهرها پشتیبانی نمودند (مراسان: کد ۵۱۵۴).

رژیم شاه که از فعالیت روحانیون در ماه مبارک رمضان هراس داشت دست به اقداماتی زد. از این رو ارتشبد قره‌باغی در ۱۳۵۷/۵/۱۶ ش طی دستورالعمل محرمانه‌ای به نواحی ژاندارمری چنین نوشت: «به‌منظور خنثی‌نمودن فعالیت‌های احتمالی اخلاالگرانی که در لباس روحانیت از ایام ماه مبارک رمضان سوءاستفاده نموده و به تحریکات ضد امنیتی ادامه می‌دهند دستور دهید: (۱) به جمع‌آوری اطلاعات توجه کامل داشته و از وقوع هر نوع غافلگیری پاسگاه، یگان و پرسنل مربوطه جلوگیری گردد.

(۲) آموزش کنترل اغتشاشات با استفاده از آیین‌نامه‌های تحویلی، به‌طور عملی همه‌روزه انجام شود.

(۳) یگان‌هایی که به مأموریت کنترل اغتشاشات و پشتیبانی شهربانی اعزام می‌گردند بیش از ۴۸ ساعت به این قبیل مأموریت‌ها ادامه ندهند و در پایان ۴۸ ساعت تعویض گردند که برای اجرای برنامه آموزش پرسنل و نگهداری وسایل اینان عودت داده شوند.

(۴) وسایل کنترل اغتشاشات موردنیاز یگان‌ها را همیشه آماده‌به‌کار نگه داشته و چنانچه کسوراتی وجود دارد از طریق مبادی لجستیکی جهت دریافت اقدام و پیگیری گردد» (مراسان: کد ۵۱۵۶).

با گسترش حرکت مردمی انقلاب اسلامی در ماه مبارک رمضان، به‌رغم حمایت همه‌جانبه یگان‌های ژاندارمری از شهربانی‌ها، چون آنان قادر به کنترل شهرهای مزبور نبودند از این رو با درخواست ارتشبد قره‌باغی نیروهای پشتیبانی:

(۱) برابر مقررات مصوبه و ابلاغی از ستاد بزرگ‌ارتشتاران تاکنون در حدود امکانات پشتیبانی‌های لازم توسط ژاندارمری کشور شاهنشاهی از شهربانی‌ها به‌صورت مستمر و دائم انجام شده است.

(۲) در صورت نیاز شهربانی به عده بیشتر چنانچه برای ژاندارمری مقدور نباشد این پشتیبانی از طریق نیروی زمینی در اختیار شهربانی‌ها از جمله شهربانی‌های اصفهان، گذاشته شود.

قره‌باغی همچنین دستور داد از تعداد ۴۳۲ نفر پرسنل اعزامی به قم، سه گروهان کنترل اغتشاشات برابر دستور رزمی ۱۹-۱۵ (کنترل اغتشاشات و بلیات) هر گروهان دارای سه دسته و هر دسته دارای چهار گروه دوازده نفری جمعاً ۳۷۸ نفر تشکیل داده و از بقیه پرسنل ۵۵ نفر در هر نفربر علاوه بر یک نفربر راننده، یک تیم چهار نفری پیاده ضربت سازمان داده شود و از بقیه پرسنل یک نفر جایگزین باشند تا در صورت نیاز کسورات احتمالی بلافاصله تأمین و ترمیم گردد (مراسان: ۵۱۵۸۰۰۱۹۵).

در این زمان ریاست شهربانی به ژاندارمری کشور اعلام کرده بود که چون هدف مأموران شهربانی کنترل اغتشاشات و متفرق کردن تظاهرکنندگان است به کار بردن تفنگ، مناسب با این مأموریت نیست؛ لذا یگان‌های اعزامی ژاندارمری به شهربانی به‌جای تفنگ بهتر است به باتوم و سپر کنترل اغتشاشات مجهز گردند. ارتشبد قره‌باغی در واکنش به درخواست مزبور طی گزارشی به شاه درخواست کرد: «نظر به اینکه در کلیه مأموریت‌ها تعداد اخلا لگران و تظاهرکنندگان چندین برابر مأمورین انتظامی می‌باشد و اعزام مأمورین بدون جنگ‌افزار باعث تجری آنها شده و مأمورین را مضروب و اعمال ضد امنیتی خود را ادامه خواهند داد جان‌نثار استدعا دارد مأمورین ژاندارمری کشور شاهنشاهی را با جنگ‌افزار و تجهیزات سازمانی موجود به پشتیبانی شهربانی‌ها اعزام و در صورت نیاز استعمال اسلحه بنمایند» (نصیری طیبی، ۱۳۸۶: ۳۷).

سرکوب دانشجویان در ارتفاعات شمال تهران (طرح فرهاد)

یکی از طرح‌ها و عملیات‌هایی که در زمان تصدی ارتشبد قره‌باغی در ژاندارمری کشور صورت گرفت، «طرح فرهاد» یا سرکوب دانشجویان در کوهستان‌های شمال تهران بود. از آنجایی که گزارش شده بود عده‌ای از دانشجویان در روزهای تعطیل به ارتفاعات شمال تهران رفته و در این مکان‌ها به خواندن سرودهای انقلابی و تمرین ورزش‌های رزمی می‌پردازند، لذا بنا به فرمان شاه نیروهایی مأمور به شناسایی و سرکوب آنان شدند. از این رو از اردیبهشت ۱۳۵۷ تا آذر ۱۳۵۷ ش تحت عنوان «طرح فرهاد» نیروهای مشتمل بر عناصر ژاندارمری، افراد ورزیده تیپ نیروهای هواپرد و افراد منتخب و ورزیده یگان تکاور تحت نظر ژاندارمری با دو فروند هلیکوپتر شینوک جهت شناسایی و دستگیری دانشجویان در کوه‌های شمال تهران بسیج شدند (نصیری طیبی، ۱۳۸۶: ۴۰).

برای اجرای طرح فرهاد، از تاریخ ۱۳۵۷/۳/۲۴ ش الی ۱۳۵۷/۴/۳ ش اقداماتی به شرح زیر انجام گرفت: «۱- ساعت ۰۶:۳۰ روز ۱۳۵۷/۳/۲۶ ش مأمورین ژاندارمری با همکاری افراد گارد شاهنشاهی و نیروهای مخصوص و افراد سازمان اطلاعات و امنیت کشور در سه منطقه عمل نموده‌اند:

الف) اکیپ یکم در ارتفاعات افجه به دو دسته یازده و شش نفری پسر و یک دسته پانزده نفری دختر برخورد، عمل خلافی از آنان مشاهده ننموده‌اند.

ب) اکیپ دوم از مأمورین، از ارتفاعات فشم و عمامه شناسایی، هیچ‌گونه فعالیت مضره‌ای مشاهده نشده است.

پ) اکیپ سوم که به ارتفاعات برکه تا جنگل کارا و پلنگ‌چال و زیر توچال اعزام شده بودند به عده‌ای در حدود بیست نفر که مشغول خواندن چند بیت شعر با صدای بلند بودند و صلوات می‌فرستادند برخورد نموده و هیچ‌گونه فعالیت ضدملی از آنها سر نزده است.

۲- ساعت ۰۶:۰۰ روز ۱۳۵۷/۴/۲ ش سه اکیپ از مأمورین مذکور در فوق:

الف) اکیپ یکم در مسیر ارتفاعات افجه- کهچال- ویزان- گشت‌زنی و به افراد مشکوک برخورد ننموده‌اند.

ب) اکیپ دوم اعزامی به ارتفاعات زایگان- روته هنگام گشت‌زنی به تعدادی در حدود صد نفر دختر و پسر برخورد که پس از دو ساعت توقف بدون هیچ‌گونه اقداماتی مراجعت نموده‌اند.

پ) اکیپ سوم از ارتفاعات درکه، هفت حوض، بند گورا، ضلع شمالی جنگل کارا، پلنگ چال بازرسی و به جز تعدادی از مردم عادی که در حال رفت و آمد بودند هیچ گونه اقدامات مشکوکی مشاهده نکرده‌اند.

۳- روز ۱۳۵۷/۴/۲ ش یک اکیپ اطلاعاتی که با یک فروند هلیکوپتر به ارتفاعات درکه اعزام شده بود به پنج گروه چهارده الی بیست نفری در بالای ارتفاعات برخورد نموده‌اند که به محض مشاهده هلیکوپتر متفرق شده‌اند.

۴- ساعت ۰۹:۰۰ الی ۱۱:۰۰ روز ۱۳۵۷/۴/۲ ش گشت هوایی با شرکت افسران رابط به سرپرستی فرمانده هنگ ژاندارمری تهران با یک فروند هلیکوپتر شینوک در ارتفاعات افجه، کهچال، ویزان، سیاه کوه، یخچال راحت آباد، عمامه بالا، عمامه پایین، فشم، شمشک، آهار، ارتفاعات شمال توچال، پلنگ چال، سنگ سیاه، جنگل کارا، امامزاده داود، سولقان انجام، جز تعداد دو الی سه گروه ده نفری در ارتفاعات درکه که آنها هم به محض مشاهده هلیکوپتر متفرق شده‌اند به افراد مشکوکی برخورد نکرده‌اند (مراسان: ۵۱۵۸۰۰۲۱۳).

فرمانده ژاندارمری به شاه گزارش داد که از تاریخ ۱۳۵۷/۴/۷ ش الی ۱۳۵۷/۴/۱۴ ش در اجرای طرح فرهاد اقداماتی به شرح زیر انجام گرفته است: ساعت ۰۶:۰۰ روز ۱۳۵۷/۴/۹ ش مأمورین ژاندارمری با همکاری تیپ نهد و هوانیروز و افراد سازمان اطلاعات و امنیت کشور در سه منطقه عمل نمودند. اکیپ یکم ارتفاعات گلندوک، افجه، کهچال، ویزان را شناسایی نمودند که در دشت کهچال حدود هفتاد نفر دختر و پسر در حال صعود به ارتفاعات سرود می‌خواندند و ده نفر پسر در مسیر رودخانه ویزان به افجه راهپیمایی نمودند که به محض مشاهده هلیکوپتر گشت زنی متفرق شدند. اکیپ دوم در ارتفاعات فشم و روته عملیات مشکوکی مشاهده نکردند. اما اکیپ سوم در ارتفاعات درکه در حین گشت زنی در حوالی جنگل کارا گروه‌های ده الی پانزده نفری را مشاهده می‌نمایند و در بالای پناهگاه پلنگ چال تعداد تقریبی صد نفر تجمع نموده بودند که مبادرت به سرودخوانی و فرستادن صلوات می‌کردند» (مراسان: ۵۱۵۸۰۰۲۱۱).

پس از ارائه گزارش مزبور، شاه به قره‌باغی دستور می‌دهد: «این مراقبت‌ها به‌طور نامنظم انجام شود.» به همین سبب ارتشبد قره‌باغی به فرمانده ناحیه ژاندارمری مرکز دستور می‌دهد تا عملیات مزبور به‌طور نامنظم در روزهای غیرتعطیل و گاهی هم تعطیل انجام گیرد تا به‌صورت غافلگیرانه

باشد، از این رو در روز جمعه ۱۳۵۷/۴/۱۶ ش برخلاف مطابق معمول گشت‌زنی انجام نشد (مراسان: ۵۱۵۸۰۰۲۱۱: ۲).

قره‌باغی در نامه‌ای به شاه چنین نوشت: «مقام عالی را آگاه می‌سازم:

۱- طرح عملیاتی فرهاد در مورخه ۱۳۵۷/۲/۱۷ ش که از شرف تصویب شاه گذشت جهت اجرا طی شماره ۸-۳۲-۱۹۲۰۱-۱۳۵۷/۲/۱۸ ش (سب ۳) به ژ-ک - ش ابلاغ گردید.

۲- در امثال فرمان مبارک ملوکانه با تشکیل اکیپ‌های گشتی کوهنورد با شرکت مأمورین ژاندارمری، تکاوران گارد شاهنشاهی، تیپ نوهده و ساواک به منظور شناسایی و دستگیری عناصر اخلاگر در کوه‌های شمال تهران (بین افجه و لشگرک) اقدام به گشت‌زنی گردید که نتیجه طی گزارشات نوبه‌ای روزانه به عرض رسید.

۳- به طوری که در گزارش‌های نوبه‌ای اخیر مشهود است گشتی‌های اعزامی به هیچ نوع فعالیت مضره و اعمال خلاف امنیتی برخورد ننموده‌اند.

۴- نظر به اینکه اعزام گشتی‌های معروض فعلاً بهره عملیاتی و اطلاعاتی ندارند لذا پایان‌دادن و یا ادامه مأموریت آنها موکول به امر عالی است» (مراسان: ۵۱۵۸۰۰۲۱۲).

پس از اقدامات مزبور در ۱۹ مرداد ۱۳۵۷ ش سرهنگ نجفداری فرمانده هنگ مرکز طی گزارشی به قره‌باغی چنین نوشت: «از تاریخ ۱۳۵۷/۲/۱۷ ش که مقرر گردید کمیته طرح فرهاد تحت نظر من با همکاری پرسنل گارد شاهنشاهی و ساواک تهران و هوانیروز و تیپ نوهده انجام شود، بایستی به عرض برساند پرسنل گارد شاهنشاهی تحت فرماندهی سرگرد پیاده کاریزی و پرسنل ساواک تهران تحت نظر آقای محمود گلزاری و پرسنل هوانیروز تحت نظر ستوان یکم خلبان اکبر قربان خانی با نهایت صمیمیت و تلاش و تعصب خاصی و انضباط بسیار قابل توجه و چشمگیری وظایف مربوطه را به نحو احسن انجام و این مأموریت تا تاریخ ۱۳۵۷/۵/۱۹ ش که افتخار سرپرستی کمیته به عهده من بود انجام گردید». وی در ادامه از ارتشبد قره‌باغی درخواست کرد در صورت تصویب، افراد نامبرده را از طریق ژاندارمری و اعلام مراتب به سازمان‌های مربوطه تشویق و قدردانی شود (مراسان: ۵۱۵۸۰۰۲۲۱).

با اوج‌گیری جریان انقلاب اسلامی در ماه رمضان، در ایام مزبور عملیات طرح فرهاد، شناسایی‌ها و گشت‌زنی‌ها ادامه یافت، از این رو در روز جمعه ساعت ۶،۰۰ در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۱۰ ش دو اکیپ از مأمورین ژاندارمری، تیپ نوهده، هوانیروز و ساواک به گشت‌زنی در ارتفاعات مزبور

پرداختند که اکیپ یکم در مسیر گلندوک - نارون- ارتفاعات افجه - سرآسیاب و کوه‌های اطراف گشت‌زنی و شناسایی افراد مظنون و نقاط مشکوک مشاهده نگردید. اکیپ دوم که در مسیر درکه از ارتفاعات پلنگ‌چال گشت‌زنی می‌نمود در بین راه به تعدادی اعلامیه که یکی به‌عنوان کمیته یزد و دیگری به‌عنوان امام خمینی بود برخورد می‌کنند که آنها را ضبط می‌کنند. همچنین تعدادی «شعارهای مضره در پلنگ‌چال در مسیر راه روی سنگ‌ها نوشته بودند که توسط مأمورین محو می‌گردد.» بر اساس همین گزارش، مأموران مزبور در هنگام مراجعت از ارتفاعات پلنگ‌چال در ابتدای هفت‌حوض درکه مشاهده می‌کنند که هفت نفر به نام‌های جواد کرباسچی، حسین کرباسچی، سید محمد میرتوبه، قمی منفرد، سید محمدرضا میرشفیعیان، محسن جوکار و محمد حداد مشغول ادای شعار «درود بر خمینی» با صدای بلند بودند که نامبردگان را دستگیر و تحویل پاسگاه مرکزی اوین می‌نمایند.

در جریان طرح فرهاد یکی از طرح‌های مهم بود بسیاری از دانشجویان انقلابی موردحمله قرار گرفتند، یکی از کسانی که در جریان طرح فرهاد در آن ایام حضور داشتند و از نزدیک شاهد حمله به دانشجویان بود دکتر محسن بهشتی سرشت است: «اینجانب آن ایام دانشجو بودم و در یک مرحله در ارتفاعات درکه (پلنگ‌چال)، این نیروها با زنجیر و باتوم و چوب به دانشجویان حمله کردند و عده‌ای را مضروب و عده‌ای را دستگیر کردند» (مصاحبه با محسن بهشتی سرشت، ۱۳۹۵/۰۱/۲۰).

قره‌باغی در شورای عالی نظامی

مرداد ماه ۱۳۵۷ ش مقارن با ماه مبارک رمضان بود. مطابق شواهد موجود در سراسر مرداد ماه به‌ویژه از هنگامی که ماه مبارک رمضان با آن همراه شد، با افزایش ناآرامی در شهرهای مختلف کشور، تظاهرات مردم اغلب به شکل خونینی خاتمه می‌یافت، در اصفهان که اعتراضات گسترش یافته بود رژیم برای کنترل آن به حکومت‌نظامی متوسل شد. رژیم در مهار جنبش انقلابی ملت ایران ناتوان بود، لذا کارگزاران و فرماندهان عالی‌رتبه امنیتی و نظامی کشور وظیفه داشتند تا به دستور شاه برای غلبه بر اوضاع بحرانی و نابسامان کشور چاره‌ای بیندیشند تا راه‌کاری برای پریشانی‌های موجود بیابند. از این رو در تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۴ ش و ۱۳۵۷/۵/۳۰ ش با شرکت فرماندهان عالی نظامی دو جلسه تشکیل گردید. به‌منظور تشریح اوضاع کشور و پیش‌بینی

اقدامات لازم جلسه‌ای از ساعت ۱۵ الی ۱۹ روز ۲۴ مرداد ۱۳۵۷ ش در دفتر ارتشبد ازهارای رئیس ستاد بزرگ‌ارتشتاران با حضور افسران مشروحه ذیل تشکیل گردید: ارتشبد عباس قره-باغی: فرمانده ژاندارمری کشور، سپهبد صمدیانپور: رئیس شهربانی کشور، سپهبد ناصر مقدم: رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، سپهبد خدامراد سیوشانسی: جانشین نیروی زمینی، سپهبد بدره‌ای: فرمانده گارد شاهنشاهی، سپهبد ناصرقلی برومند: رئیس اداره دوم ستاد بزرگ‌ارتشتاران، سرتیپ پریانفر: رئیس ساواک تهران، سرتیپ هوشنگ قاجار: فرمانده ضداطلاعات (ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شده‌ایم ...، ۱۳۷۶: ۱۷).

در این جلسه ارتشبد قره‌باغی ضمن انتقاد از عدم انسجام حزب رستاخیز پیشنهاد کرد: «حال چنانچه حزب رستاخیز متشکل بود و نمایش قدرتی ارائه می‌نمود مسلماً این دسته‌جات منحرف حساب کار خود را می‌نمودند و دیگر فعالیتی نمی‌کردند. وضع فعلی برعکس شده، تعداد قلیلی اخلاک‌گر وارد عمل شده و دسته بزرگ میهن‌پرستان- که متشکل نمی‌باشند- نمی‌توانند کاری انجام دهند» (ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شده‌ایم ...، ۱۳۷۶: ۳۰۵-۳۰۰).

وی همچنین برای مقابله با تظاهرات تأکید کرد که از نیروی پایداری استفاده شود. در ادامه جلسه مورخه ۲۴ مرداد ۱۳۵۷ ش به‌منظور ابلاغ «اوامر شاهانه» و پیش‌بینی اقدامات لازم جلسه‌ای در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۷ ش در دفتر رئیس ستاد بزرگ‌ارتشتاران تشکیل گردید. در این جلسه مقرر گردید یک کمیته عملیات روانی و تبلیغات به‌منظور تجزیه و تحلیل و تشریح اهداف مخالفان برای مردم تشکیل شود، تا آنان از طریق رسانه‌های گروهی علیه انقلابیون اقدام نمایند. در این کمیته، که قرار شد در اداره دوم ستاد بزرگ‌ارتشتاران تشکیل شود ارتشبد قره‌باغی قول داد تا یکصد نفر از ژاندارمری را در اختیار کمیته مزبور بگذارد (ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شده‌ایم ...، ۱۳۷۶: ۵۰). اعتراضات و اعتصابات در واپسین روزهای عصر پهلوی، رژیم را به فکر تغییر کابینه‌ها برای رهایی از بحران انداخت، جعفر شریف‌امامی پس از سقوط دولت جمشید آموزگار با شعار آشتی ملی در ۱۳۵۷/۶/۵ ش از طرف شاه مأمور تشکیل کابینه شد (نصیری طیبی، ۱۳۸۶: ۴۷؛ سولیوان، ۱۳۶۱: ۱۰۹). در کابینه شریف‌امامی، ارتشبد قره‌باغی به سمت وزارت کشور منصوب شد (پژمان، ۱۳۸۶: ۳۸۷؛ قره‌باغی، ۱۳۶۴: ۱۴).

نتیجه گیری

بررسی نقش و جایگاه عباس قره‌باغی، آخرین رئیس ستاد ارتش حاکمیت پهلوی در هنگامه فروپاشی واپسین نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. سنت فرمان‌برداری از اراده شاه مانع بزرگی بود تا بدون تصویب شاه به نام وی دست به اقدام زده شود، ژنرال‌های ناخشنود نمی‌توانستند بدون دستور، حمایت لازم را به عمل آورند و چنین دستوراتی هرگز صادر نشد. به‌استثنای معدودی از ژنرال‌های ارشد مثل قره‌باغی که با تغییر حاکمیت به‌وضوح خود را در خطر می‌دیدند و از وفاداری نسبت به شاه دست برداشتند، اغلب ژنرال‌ها در مورد پیامدهای سیاسی اقدامات خود سردرگم بودند. قره‌باغی در سال ۱۳۵۳ ش فرماندهی ژاندارمری را، از طرف شاه برعهده گرفت. وی در واقع مهره‌ای مؤثر و ذخیره بود که همواره در مراحل حساس به کاستی‌های تشکیلات فرماندهی ارتش پهلوی وارد می‌شد. با شدت گرفتن مبارزات مردم در سال ۱۳۵۶ ش علیه رژیم پهلوی، قره‌باغی در سمت فرماندهی ژاندارمری دست به اقداماتی برای سرکوب نیروهای انقلابی زد. اقدامات وی برای سرکوب عموم مردم مانند رمضان ۱۳۵۷ و سالگرد قیام ۱۵ خرداد با اعمال خشونت همراه بود که در ثبات حاکمیت نتیجه عکس داد و موجب شعله‌ورتر شدن قیام مردم بر ضد رژیم پهلوی شد. پس از شورش دانشجویان نیروی هوایی در پایگاه‌های دوشان‌تپه و فرح‌آباد، ارتش مجبور به اتخاذ تصمیم در حمایت از بختیار گردید که عملاً پس از مدتی با اعلام بی‌طرفی فرایند پیروزی انقلاب اسلامی تکمیل شد.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش. بازیابی ۵۱۵۸۰۰۲۰۷؛ ۵۱۵۸۰۰۲۱۳؛ ۵۱۵۸۰۰۱۹۵؛ ۵۱۵۸۰۰۲۱۱؛ ۵۱۵۸۰۰۲۱۲؛ ۵۱۵۸۰۰۲۲۱؛ ۵۱۵۸۰۰۱۶۲؛ ۵۱۹۵۰۰۰۴۸؛ ۵۱۵۹۰۰۰۰۴؛ ۵۱۱۸ کد؛ ۵۱۱۹؛ ۵۱۴۴؛ ۵۱۴۵؛ ۵۱۴۸؛ ۵۱۵۴؛ ۵۱۵۶؛ ۵۱۵۷؛ ۵۱۶۰.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ش. بازیابی: ۲۹۳۰۰۳۶۳۹.

دانشجویان پیرو خط امام؛ از ظهور تا سقوط، ج ۱، تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۶.

زهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد، تهران: دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۷۹.

ب) کتاب

- آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز، ۱۳۷۷.
- افراسیابی، بهرام، *ایران و تاریخ*، تهران: زرین، ۱۳۶۴.
- باقی، عمادالدین، *تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی*، تهران: تفکر، ۱۳۷۳.
- پژمان، جلال، *فروپاشی ارتش شاهنشاهی*، تهران: نامک-پروین، ۱۳۸۶.
- پهلوی، محمدرضا، *پاسخ به تاریخ*، به کوشش شه‌ریار ماکان، تهران: مهر، ۱۳۷۵.
- دلانوا، کریستین، ساواک، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران: طرح نو، ۱۳۷۱.
- سولیوان، ویلیام، پارسونز، سرآنتونی، *خاطرات دو سفیر*، ترجمه محمود طلوعی، تهران: علم، ۱۳۷۵.
- سولیوان، ویلیام، *مأموریت در ایران*، محمود مشرقی، تهران: هفته، ۱۳۶۱.
- شایسته‌پور، حمید، *قدرت سرکوب رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
- فخرالدین، عظیمی، *بحران دموکراسی در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران: البرز، ۱۳۷۴.
- فردوست، حسین، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۹.
- فوکو، میشل، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟*، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس، ۱۳۷۷.
- قره‌باغی، عباس، *اعترافات ژنرال*، تهران: نی، ۱۳۶۴.
- قره‌باغی، عباس، *ماجرای فرار ارتشبد عباس قره‌باغی*، تهران: آبی، ۱۳۷۹.
- ما گرفتاریک جنگ واقعی روانی شده‌ایم؛ مشروح مذاکرات فرماندهان نظامی در تاریخ‌های ۱۳۵۷/۰۵/۲۴ و ۱۳۵۷/۰۵/۳۰، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- نجاری‌راد، تقی، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- نصیری طیبی، منصور، *آخرین ارتشبد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، *انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی*، تهران: قیام، ۱۳۷۲.

۹۰..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

ج) مقاله

«معمای ارتشبد قره‌باغی و اسرار سقوط ارتش»، مجله جوان، ش ۲۸، ۱۳۵۸/۴/۲۲، صص ۱۳-۴۰.

د) مصاحبه

مصاحبه با محسن بهشتی سرشت، ۱۳۹۵/۰۱/۲۰.

بفرمان مطاع مبارک

علیحضرت نهایون شاهنشاه آرمهر

بزرگ ارستانان

امراء انتصاب
بزرگ

وزارت تاریخ و وزارت دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۳

تیمسار سپهبد عباس قره‌باغی

بسمت فرماندهی ژاندارمری کشور منصوب

وزارت تاریخ یکم شهریور ماه ۱۳۵۴ بدرجه رشیدی

منقح گردیدند

بهشگاه مبارک ملت حضرت خماین شاهنشاهی ما مبارک ما مبارک و شتاران

گزارش

مختصراً به شرح فرسودگی و

۱- در شرایطی مورخه ۱۶/۱/۲۰۲۲ فعالیت های یگانهای ژاندارمری کشور شاهنشاهی در دستگیری اغلاکگران به شرح فرسودگی مبارک هماهنگی و رسیدن و ایام مطامع مبارک شاهانه چنین شرحه و زیادت :

• نیروی یگانهای مبارک از کارخانه ها تعیین کند و اعضا نیروی یگانهای مبارک در تحلیف و دستگیری غرابکاران شرکت نماید، اعضا نیروی یگانهای مبارک را اجتماعات و اجتماعات بهمنسوان مخالفت با دولت تشکیل میدهد حرکت بر طبقه مخالفین عمل کنند و اعضا نیروی یگانهای مبارک و نظامی بر طبقه مخالفین دولت به نمایندگی.

۲- ایام مطامع مبارک هماهنگی بنواحی ژاندارمری با اعلام گزارشات واصله حاکیست :

البت اعضا و اولاد نیروی یگانهای مبارک سطح کشور شاهنشاهی گروه گروه با حضور و اشتقاق ضمن دادن شمارهای صحت برای تا موسی به منظور همکاری با مأمورین انتظامی در تحلیف و دستگیری غرابکاران مراجعه میکنند که با سایر کتب و اطلاعات محتاطاً از شرح فرسودگی غرابکاران است.

• اعضا نیروی یگانهای مبارک از دستورات مشکوک بطور گسترده در مراکز استانها و شهرستانها با تشکیل اجتماعات عظیم و سخنرانی ضمن اظهار تفسیر از اقدامات غرابکاران و آذوقه خود را برای جانباوردن و راه انقلابی نظام شاهنشاهی و تأمین اساس وصول انقلاب شاه و ملت و تشبیه این امر به های بر تارهای دولت و حزب رستاخیز ملت ایران که هنوز ضابطه دارند اعلام داشته اند.

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
آرشیو

مراقب جهت استحضار و رعایت طریق عملیات به صورت معمولی گردید

جان نثار ارتشید عباس قره‌باغی

جایزین نویسنده سید محمد مدتی

ویراستار و تصحیح سید محمد زاهدی

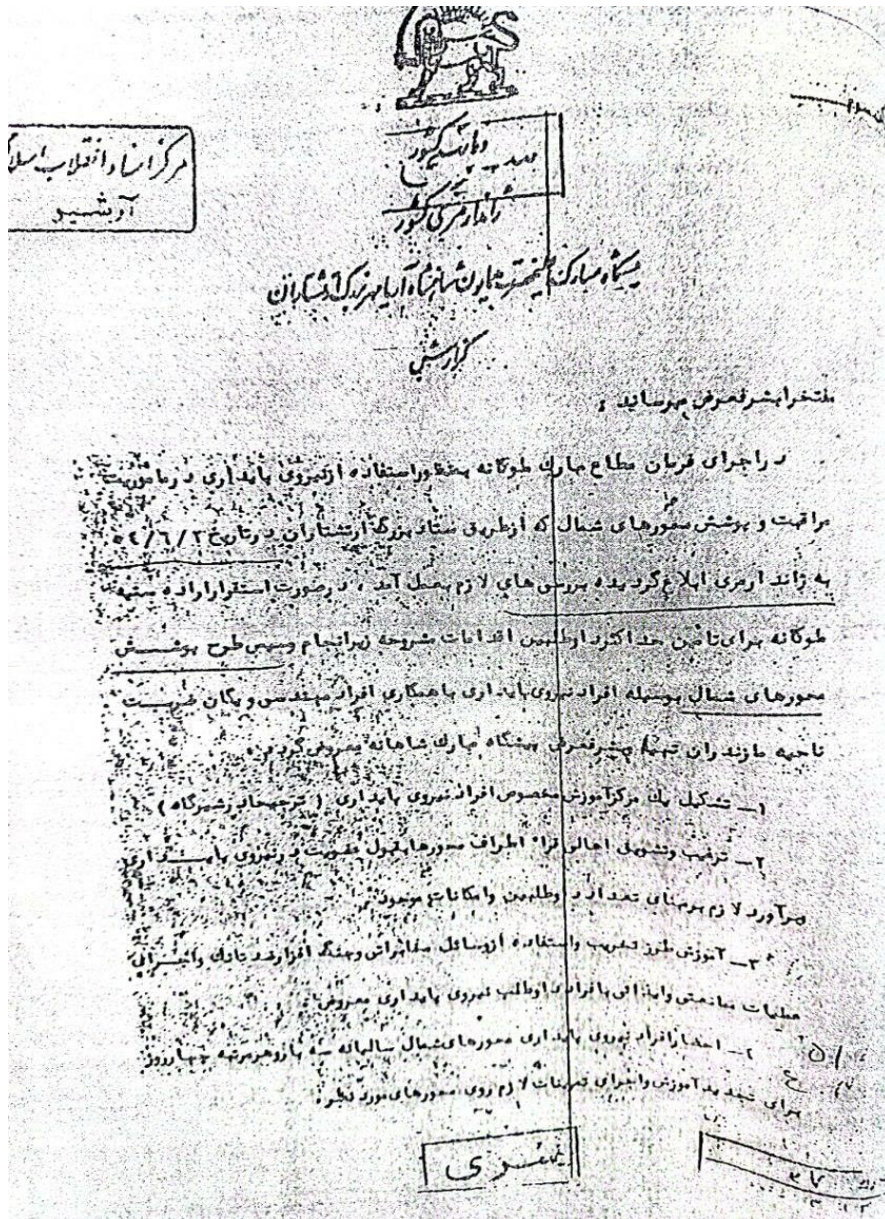
ویراستار و تصحیح سید محمد زاهدی

ویراستار و تصحیح سید محمد زاهدی

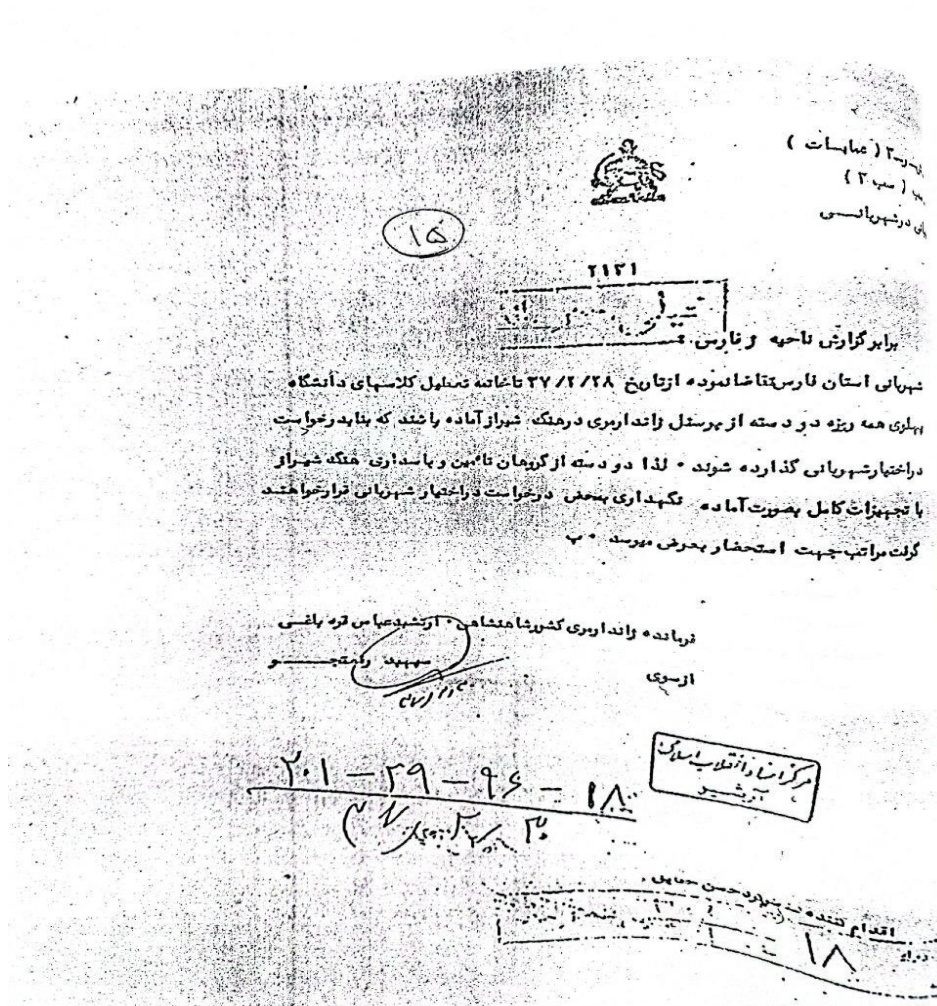
ویراستار و تصحیح سید محمد زاهدی

شماره ۱۰۰۰
تاریخ ۱۳۷۱/۱/۱۶

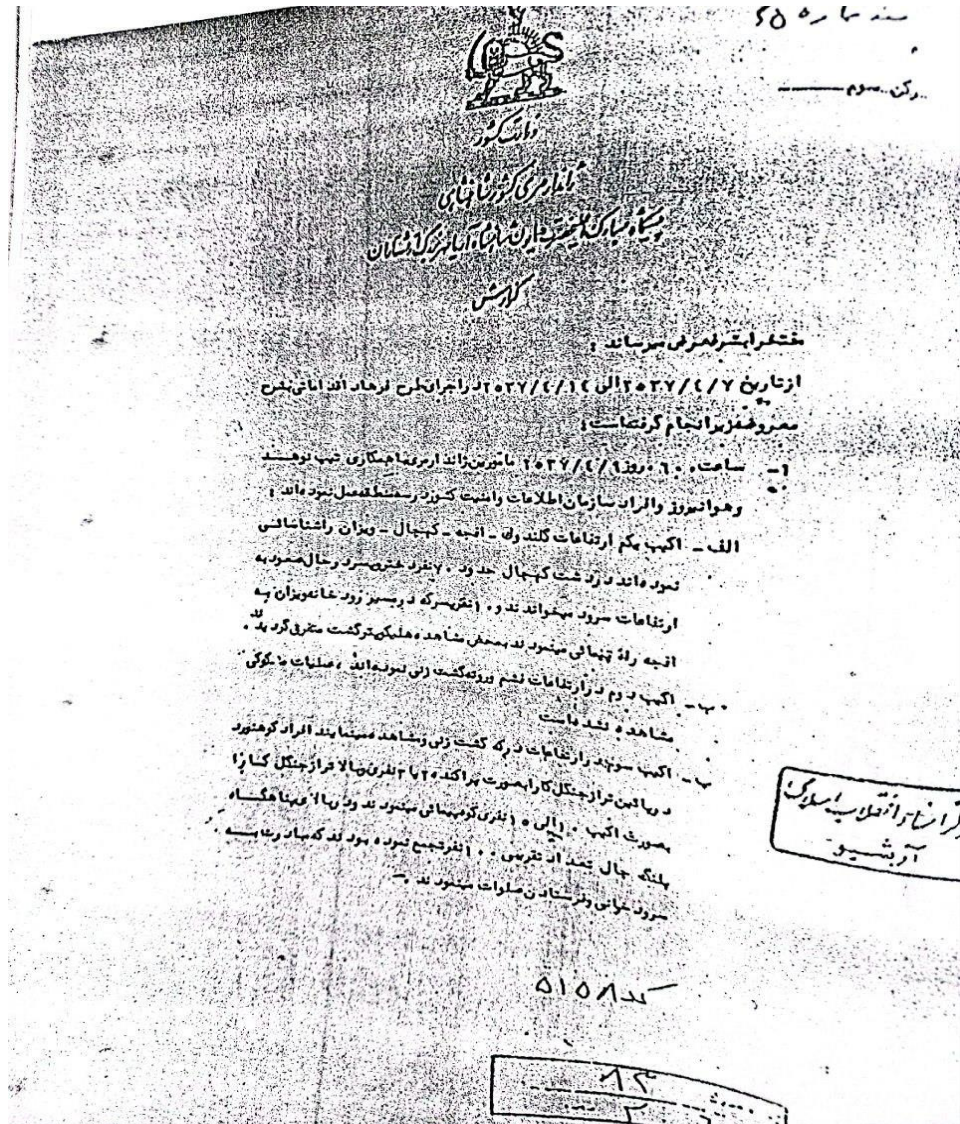
سند ۳: استفاده از نیروی نپ در سرکوب مخالفان



سند ۴: استفاده از نیروی نپ در محور شمال



سند شماره ۵: گزارش آمادگی نیروها در فارس در دوران ژاندارمری ارتشبد قره‌باغی



سند شماره ۷: گزارش طرح فرهاد (الف)

بهرخورد ننمود هاند .

ب - اکیب دوم اعزامی به ارتفاعات زایگان - روتنه هنگام گشت زنی به تعدادی درحدود
۱۰ نفر و خترویسربرخورد که پس از دو ساعت توقف بدون هیچگونه اقداماتی
مراجعت نمود هاند .

ب - اکیب سوم از ارتفاعات درکه - هفت حوض - بند گورا - ضلع شمالی جنگل کارا -
پلنگ جال بازرسی بجز تعدادی از مردم عادی که در حال رفت و آمد بودند
هیچگونه اقدامات مشکوکی مشاهده نکرد هاند .

۳ - روز ۲۷ / ۴ / ۲۰۲۰ یک اکیب اطلاعاتی که بایک فرزند هلیکوپتر به ارتفاعات درکه اعزام
شد مهود به پنج گروه ۴ الی ۲۰ نفری در بالای ارتفاعات برخورد نمود هاند که بعضی
مشاهده هلیکوپتر متفرق شده هاند .

۴ - ساعت ۹۰۰ الی ۱۱۰۰ روز ۲۷ / ۴ / ۲۰۲۰ گشت هوایی با شرکت انسران رابط
بسرپرستی فرمانده هنگ ژاندارنی تهران بایک فرزند هلیکوپتر متفرق در ارتفاعات
افجهک - کپچال - ویزان - سیاهکوه - بخچال - راحت آباد - عامه بالا - عامه پایین
فشم - شمشک - آهار - ارتفاعات شمال توچال - قلعه توچال - پلنگ جال - سنگ
سیاه - جنگل کارا - امامزاده راود - سولقان انجام جزیعده الی ۲ گروه - ۲ نفری
در ارتفاعات درکه که آنها هم بعضی مشاهده هلیکوپتر متفرق شده هاند به انفراد
مشکوکی برخورد نکرد هاند .

مراتب جهت استحضار به اطراف خطی و کلمات مشخصه گردید
جان نگار رشید عباس قره باغی

مراتب از شرق قمرش پیشگاه مبارک اعلیحضرت هایدون
شاهنشاه آریامهر بزرگ از بنفاز این گنجینه
ارشدید عباس قره باغی
۲ / ۴ / ۲۰۲۲

سند شماره ۸: گزارش طرح فرهاد (ب)